

Reflection on Gender Development Demands in the Constitutional Era Education

Jalilian, Sajjad, *¹ Fathi, Kouros, ²Gholami, Shahram³

1- Social Studies Education Department, Farhangian University, Tehran, Iran. Box
3175955343

2- Social Studies Education Department, Farhangian University, Tehran, Iran

3- Social Studies Education Department, Farhangian University, Tehran, Iran. Box
14655-899

ABSTRACT

Abstract

Keywords:

Gender
development,
cognitive, gender
inequality,
constitutionalism,
women's
demands, gender
order



sajjad14jalilian@
gmail.com

Background and Objectives: This study explores the main educational demands of women during Iran's Constitutional Revolution, the contexts of their emergence, and the actions enabling their realization **Method:** Documentary analysis was used. **Findings:** Although the Constitutional Revolution was not a gender-based movement, international and domestic factors transformed certain women's needs such as education access, challenging perceptions of female inferiority, and promoting universal education into collective demands aimed at fostering active female participation in society. **Conclusion:** These demands were advanced through founding schools, forming associations, publishing periodicals, and charitable works, which played a key role in strengthening women's social and political presence and breaking traditional gender barriers.

ISSN (Online): 2717-2651

DOI:

Received: 1403/09/07 .Reviewed 1404/01/22 Accepted 1404/01/30 PP: 22

Citation (APA): Jalilian, S., (2025). Reflection on Gender Development Demands in the Constitutional Era Education. *Quarterly Journal of Research in Social Studies Education*, 7(1), 1 -23.



<https://doi.org/10.48310/rsse.2025.4380>



تأملی بر مطالبات توسعه جنسیتی در آموزش دوران مشروطه

سجاد جلیلیان^{۱*}، کوروش فتحی^۲، شهرام غلامی^۳

۱. گروه علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، صندوق پستی ۳۱۷۵۹۵۵۳۴۳

۲. گروه علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. گروه علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۹۹

چکیده

هدف و پیشینه: بررسی مطالبات برابری خواهانه جنسیتی بانوان مشتمل بر فرآیندی اجتماعی است که با هدف تحقق توانمندسازی بانوان و در بستر سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی نضج گرفته و به فعالیت‌های اجتماعی منتهی شده است. در این فرآیند، نیازهای فردی میدل به دغدغه‌های جمعی گردیده و به شکل مطالبات اجتماعی بروز داده شده که زمینه شکل‌گیری برخی از اقدامات اجتماعی را فراهم ساخته است. بر این اساس، در این پژوهش با هدف تلاش برای تبیین مطالبات آموزشی زنان در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود که مهم‌ترین مطالبات آموزشی زنان در دوران مشروطه چه بوده و این مطالبات در چه بستر سیاسی و اجتماعی شکل گرفته و در نهایت با چه اقداماتی به مرحله اجرا درآمده است؟ **روش:** برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. **پژوهش:** بر اساس چارچوب نظری رویکرد جنسیت و توسعه مورد احصا قرار گرفته، بیانگر آن است که هرچند نمی‌توان نهضت مشروطه را کوششی جنسیتی در راستای مطالبات بانوان دانست، لیکن متأثر از فضای بین‌المللی و شرایط داخلی، برخی از نیازهای بانوان از جمله ضرورت تحصیل و آموزش، تغییر برخی از انگاره‌های ذهنی جامعه در خصوص ناتوانی و فرودستی بانوان و همگانی نمودن آموزش با هدف حضور اجتماعی بانوان در جامعه به عنوان نیرویی فعال و سازنده به شکل مطالبات اجتماعی درآمدند. **نتیجه‌گیری:** این مطالبات با اقداماتی همچون تأسیس مدارس، شکل‌گیری انجمن‌های اجتماعی، چاپ نشریات و برخی از فعالیت‌های عام‌المنفعه نمود عینی یافتند که نقش بی‌بدیلی در تقویت و ایجاد جایگاه سیاسی و اجتماعی بانوان داشته است.

واژه‌های کلیدی:

توسعه جنسیتی،

رویکرد شناختی،

نابرابری جنسیتی،

مشروطه،

مطالبات بانوان،

نظم جنسیتی

۱. نویسنده مسئول

sajjad14jalilian@gmail.com



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

شماره صفحات: ۲۲

مقدمه

بدون شک انقلاب مشروطه را می‌توان یکی از نقاط عطف در تاریخ ایران معاصر دانست. با وقوع انقلاب مشروطه بسیاری از ساختارهای سیاسی و اجتماعی دچار تحول گردید که زمینه را برای ظهور و بروز تحولات اجتماعی جدیدی فراهم نمود. مشروطه نوید بخش رهایی مردم از استبداد شاه بود، با این وجود در لایه‌های عمیق‌تر نوعی مبارزه جنسیتی بر پایه برخی از مطالبات اجتماعی و با هدف رهایی از نابرابری‌های جنسیتی در حال شکل‌گیری بود (Sharifi sāei, 2022:799). یکی از مهم‌ترین جلوه‌های نابرابری جنسیتی در نظام تعلیم و تربیت دیده می‌شد. گرایش‌های فکری برای اصلاح آموزش، با تلاش افرادی چون سپهسالار، یحیی دولت‌آبادی، میرزا ملکم‌خان و میرزا حسن رشیدیه آغاز شد، اما عمدتاً به آموزش مردان محدود ماند و آموزش زنان کمتر مورد توجه قرار گرفت. در این شرایط، خانواده به‌عنوان نهاد اصلی تربیت زنان نقش مهمی داشت؛ بسیاری از زنان طبقات متوسط و بالا آموزش را از پدر، برادر یا همسر خود دریافت می‌کردند، به‌ویژه در خانواده‌های مرفه که به اهمیت تحصیل زنان آگاه بودند. این آموزش غیررسمی به‌تدریج نگرش‌ها را نسبت به نقش زنان تغییر داد و زمینه تحولات بعدی در آموزش و جامعه ایران را فراهم ساخت.

فرهنگ استبدادی و جزم‌اندیشی اجتماعی هویت زنان را انکار و محدود کرد، زنان از حق آموزش محروم یا فقط در محیط‌های غیررسمی آموزش دیدند (Farahmand, 2016: 96) به عنوان نمونه نشریاتی همچون عالم‌نسوان در مقالاتی متعددی از جمله «تجدد، خلاصی از موهومات» و «مضرات مزاجت» با انتقاد از این مسئله زنان را در نگاه مردان جامعه، دارای موقعیتی فرودست و ثانویه عنوان می‌کند و راه رهایی از این مسئله را در چنین فضایی تحصیل حق تعلیم و تربیت برای بانوان عنوان می‌دارد (Alam-e Nesvan, 1302: 1; 1303: 25). همچنین در این دوران فرهنگ استبداد، سرکوب و کنترل اجتماعی همچنان بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی حاکم مانده و مانع از ظهور و بروز توانمندی‌های زنان می‌شد، چنانچه هرگونه تغییر و تحول اجتماعی به شدت با مقاومت مواجه گردیده و زنان به عنوان نیمی از جامعه، از حق مشارکت و بیان نظرات خود محروم بودند. گفتمان آموزشی ایران بر مبنای برداشت‌هایی از رویکرد سنتی، تنگ‌نظری اجتماعی و جزم‌اندیشی به مسئله زنان برپا شده بود و بسیاری از هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن برگرفته از نوعی سنت درونی شده بود (Bitarafan, et al, 2017:161). این وضعیت نه تنها مانع از ظهور و بروز توانمندی‌های زنان می‌شد، بلکه به تداوم نابرابری‌های جنسیتی و اجتماعی نیز دامن می‌زد. استبداد خانوادگی نیز به‌عنوان یک بعد دیگر از فرهنگ استبداد و سرکوب اجتماعی، به‌طور جدی بر وضعیت زنان تأثیر مضاعفی می‌گذاشت. در این دوران، خانواده‌ها به‌ویژه در جوامع سنتی، به‌عنوان نهادهای اصلی اجتماعی عمل می‌کردند و

ساختارهای مردسالارانه در آن‌ها به وضوح مشهود بود. در چنین فضایی، زنان به عنوان اعضای وابسته و تابع خانواده، از حق انتخاب و تصمیم‌گیری در بسیاری از مسائل زندگی خود محروم بودند. این استبداد خانوادگی نه تنها به محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شد، بلکه به نوعی به کنترل و سرکوب هویت اجتماعی زنان نیز دامن می‌زد. با این حال مشروطیت از بسیاری جهات روح تازه‌ای در فضای اجتماعی ایران دمید. از این رو مطالبات جنسیتی به شکلی جدی در جامعه مطرح شد. این مبارزات در دو جبهه، یکی مبارزه با شکل سنتی خانواده که اقتدار مردان را صرفاً به رسمیت می‌شناخت و دیگری مقابله با حکومت استبدادی پیگیری شد (Markazmalmiri, et al, 2019:126)

دهخدا با بیان یک طنز انکار هویت زنان توسط مردان زمانه خودش را اینگونه مورد انتقاد قرار داده است: «همه کس این را می‌داند که میان ما زن را به اسم خودش صدا کردن عیب است. نه همچو عیب کوچک، خیلی هم عیب بزرگ. واقعاً هم چه معنی دارد آدم اسم زنش را ببرد؟ تا زن اولاد ندارد، آدم می‌گوید: اهو!!! وقتی هم بچه‌دار شد اسم بچه‌اش را صدا می‌کند. مثلاً ابوفاطی، ابو رقی و غیره. زن هم می‌گوید هان. آن وقت آدم حرفش را می‌زند. تمام شد و رفت. وگرنه زن را به اسم صدا کردن محض غلط است» (دهخدا، ۱۳۹۵:۱۳۹). بر همین مبنا می‌توان گفت استبداد خانوادگی در دوران مشروطه مانعی جدی برای پیشرفت زنان بود و با استبداد سیاسی و اجتماعی مرتبط بود. این فرهنگ موجب سرکوب حقوق زنان و محرومیت آنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و خانوادگی شد (Foran, 2003:206). با این حال، در دوران مشروطه، برخی از زنان و فعالان اجتماعی به تدریج به آگاهی و آموزش دست یافتند و تلاش کردند تا با ایجاد شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی، صدای خود را به گوش جامعه برسانند. این تلاش‌ها به تدریج به شکل‌گیری جنبش‌های زنان و مطالبات اجتماعی منجر شد که هدف آن‌ها تغییر نگرش‌ها و بهبود وضعیت زنان در جامعه بود.

بیان مسئله

مطالبات بانوان در خصوص رفع نابرابری‌های جنسیتی در حوزه آموزش یکی از مصادیق نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد که در حوزه مسائل مرتبط با توسعه جنسیتی قرار می‌گیرد (Rietveld and Patel, 2022:1220). توسعه جنسیتی به بهره‌مندی برابر و بدون جهت‌گیری جنسیتی زنان و مردان نسبت به حقوق، فرصت‌ها، خدمات، منابع و پاداش‌ها اشاره می‌نماید (سلماسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷:۹۷). برابری جنسیتی، یعنی بر خورداری برابر از فرصت‌ها و حقوق، اساس توسعه جنسیتی است و تحقق آن مستلزم توجه به زمینه‌های تاریخی و ساختاری جوامع است. از این رو،

بررسی جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان و مطالبات آموزشی آنان در دوره تحولات فکری جامعه ایرانی، ضرورتی انکارناپذیر است.

این مبارزه جنسیتی به مانند بسیاری از جنبش‌های اجتماعی مطالبه‌گر به شکلی فزاینده خواستار نقش‌آفرینی در زمینه بازتولید انگاره‌های شناختی جامعه در رفع نابرابری‌های جنسیتی بود که با اقداماتی همچون انتشار نشریات، تأسیس انجمن‌ها و جمعیت‌های زنانه و برقراری مدارس بانوان نمود عینی به خود گرفت. انتخاب دوران مشروطه به عنوان بازه زمانی مدنظر در این پژوهش به این دلیل بوده است که از زمان صفویه تا قبل از دوران مشروطه، آداب، رسوم و انگاره‌های ذهنی، سنت‌ها و مناسبات اجتماعی قدمتی چند سده‌ای داشته و تقریباً تغییری نیافته بودند و زمینه تغییرات متعدد اجتماعی در جامعه ایرانی هر چند به صورت جزئی و مقطعی در دوران پسامشروطه فراهم شد (Sharifi saei & Azad Aramaki, 2021:104) به همین علت مشروطه را می‌توان آغاز یک تلاش برای بازتعریف هویتی بانوان ایرانی در جهت نقش‌آفرینی‌های سیاسی، اجتماعی و خانوادگی دانست که وضعیت ایشان را به دو دوره «قبل» و «بعد» از آن تقسیم نموده است. زنان از دوران مشروطه به بعد، در مسیر تحقق مطالبات خود قدم برداشته و اگرچه نتوانستند همه آرمان‌های خویش را محقق نمایند ولی توانستند در هر دوره‌ای مانعی را کنار بزنند (Sanasarian, 2005:110).

در این پژوهش، برای تبیین و فهم هرچه بیشتر برخی از مطالبات آموزشی بانوان، این مطالبات در سه محور چیستی، چرایی و چگونگی صورت‌بندی می‌گردند. بر این اساس در چیستی، مطالبات آموزشی زنان مواردی همچون حق دسترسی به آموزش، تأسیس مدارس دختران و ضرورت آموزش تعریف شده و نسبت آن با تحولات سیاسی- اجتماعی دوران مشروطه مورد توجه قرار می‌گیرد. در چرایی این مطالبات، به هویت شناختی زنان، اعم از تأثیرات دانش و جنبش‌های اجتماعی در بازه مدنظر پرداخته می‌شود که زنان را به تغییر وضعیت و مطالبه حقوقشان ترغیب کرد و در چگونگی بیان مطالبات، نیز به بیان این مطالبات از طریق هویت بیانی، بررسی روزنامه‌ها، نشریات و سازمان‌های زنانه توجه شده است تا بدین پرسش پاسخ داده شود که مهم‌ترین مطالبات آموزشی زنان در مشروطه چه بوده، در چه بستر سیاسی و اجتماعی شکل گرفته و چگونه اجرا شده است.

پیشینه و چارچوب نظری

در خصوص پیشینه با محوریت مطالبات مربوط به بانوان پژوهش‌هایی از منظرهای گوناگونی صورت گرفته است که دیدگاه‌های مختلفی در آن‌ها ارائه شده است. در این پژوهش‌ها غالباً به مطالبات اجتماعی بانوان توجه نشان داده شده و مطالبات آموزشی ذیل مطالبات اجتماعی بانوان مورد شناسایی قرار گرفته و تمرکز کمتری بر مطالبات آموزشی به صورت مجزا پذیرفته است.

شریفی (۲۰۲۱) در مقاله خود به بررسی مندرجات مرتبط با مطالبات آموزشی بانوان در روزنامه حبل‌المتین کلکته پرداخته است. وی به این نتیجه می‌رسد که مطالبات آموزشی را می‌توان مهمترین درخواست اجتماعی بانوان در آن دوران دانست.

علیزاده و باغدار دلگشا (۲۰۱۶) با در نظر گرفتن مشروطه به عنوان نقطه‌گاه آغازین عبور زنان از نگرش‌های سنتی، سواد آموزی بانوان را مهمترین مطالبه ایشان دانسته که اقداماتی همچون ایجاد مدارس دخترانه در راستای فراهم نمودن زمینه‌های سوادآموزی از اصلی‌ترین نتیجه‌های آن بوده است.

سادات شفیعی و شفیعی (۲۰۱۹) مطالبات بانوان در عصر مشروطه را حاصل افزایش آگاهی ایشان در پرتوی تحولات فکری جنبش مشروطه و حضور پررنگ بانوان در حمایت از آن دانسته‌اند. همچنین مهمترین محور فعالیت‌های نشریات زنان در راستای توانمندسازی بانوان با هدف اعتراض به تبعیض‌های جنسیتی و مبارزه با انگاره‌های ذهنی جامعه در خصوص فرودستی بانوان بوده است.

شریفی ساعی و آزاد ارمکی (۲۰۲۱) با اشاره به برخی از نابرابری‌های جنسیتی در حوزه آموزش اقدام به روایتی تاریخی از وضعیت در این دوران نموده و مصادیقی از روایت پدرسالارانه این عصر ارائه می‌نمایند. بر این اساس در دوران قاجار جایگاه فرودست زنان امری ذاتی و نه عرضی بوده است که باعث می‌شد تا جامعه مردسالار قاجار، زنانی را که خواستار پذیرش نقش‌های اجتماعی می‌شوند نپذیرفته و به مخالفت با ایشان بپردازند.

همچنین در مقاله دیگر شریفی ساعی (۲۰۲۱) با اشاره به برخی از انگاره‌های اجتماعی در خصوص سواد آموزی بانوان، نشریات بانوان را به مثابه یکی از ابزارهای مهم بانوان ایرانی برای رساندن صدای خود به جامعه و پیگیری جنبش مطالبه‌گری با هدف برابری جنسیتی در نظر گرفته می‌گیرد.

اما قبل از پرداختن به مسئله نابرابری‌های جنسیتی لازم است تا به مفهوم جنسیت پرداخته شود. در مطالعات مربوط به مردان و زنان باید نسبت به دو مفهوم جنس^۱ و جنسیت^۲ تمایز قائل شد. اصطلاح جنس به تفاوت‌های بیولوژیکی زن و مرد اشاره دارد، درحالی که جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است (Gurt, 2001:9). در این چارچوب می‌توان به دو دیدگاه ذات‌گرایی و سازه‌گرایی در مطالعات جنسیتی اشاره نمود. ذات‌گرایان با تاکید بر ویژگی‌های بیولوژیکی بر این باورند که طبیعت انسان همواره پایدار می‌باشد و رفتار و عمل انسان نیز تحت تأثیر آن قرار دارد؛ در نقطه مقابل، از نظر سازه‌گرایان، جنس بیولوژیکی نمی‌تواند به عنوان عامل تعریف زن یا

1. Sex

2. Gender

مرد قلمداد گردد، بلکه ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی و انگاره‌های رایج از نقش‌های جنسیتی، مردانه یا زنانه بودن را در یک فرهنگ تعیین می‌نماید (Yaghoubi, 2014:32). بنابر این در حالی که جنس به تفاوت‌های بیولوژیکی تاکید می‌نماید، جنسیت بر تفاوت‌های روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی تاکید می‌کند (Giddens, 1386:242). جنسیت یکی از سازه‌های اولیه در شکل‌دادن به هویت، نقش و کنش‌های اجتماعی افراد در جامعه می‌باشد (Kachel & et al, 2016:945).

البته این بدان معنا نمی‌باشد که بانوان همواره سوژه‌های منفعلی در برابر کلیشه‌های جنسیتی بوده‌اند. زیرا در بسیاری از برهه‌های تاریخی از جمله در دوران مشروطه، در مقابل این کلیشه‌ها آگاهانه و کنشگرانه عمل نموده‌اند (Kelly et al, 2016). بر همین اساس شکل‌گیری نظریه‌های مرتبط با بانوان در چارچوب نظریه‌های جنسیت و توسعه با تحولات اجتماعی بانوان عجین شده است. بنابر این پژوهش پیش‌رو سعی می‌نماید تا با در نظر گرفتن مطالبات اجتماعی بانوان در قالب رویکرد جنسیت و توسعه به چشم‌اندازی کلی از این برهه تاریخی ناظر آید.

در رویکرد جنسیت و توسعه ساختارهای کلی نابرابری در رابطه بین زن و مرد مخاطب قرار داده می‌شوند. بر این اساس مقوله جنسیت و روابط نابرابر بین زنان و مردان به عنوان نقطه اساسی در تحلیل‌های مربوطه قرار داده شود. این امر مستلزم بازبینی ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همین‌طور سیاست‌های توسعه از دیدگاه روابط جنسیتی است.

این رویکرد در درجه اول بر دو مقوله اصلی خود در قالب نقش‌های جنسیتی و تحلیل روابط اجتماعی تمرکز دارد. نقش جنسیتی بر ساخت اجتماعی هویت‌ها در خانواده تمرکز می‌کند، همچنین انتظارات از «مرد و زن بودن» را در دسترسی نسبی آن‌ها به منابع نشان می‌دهد. تحلیل روابط اجتماعی ابعاد اجتماعی روابط قدرت سلسله مراتبی نهفته در نهادهای اجتماعی را آشکار می‌کند (Department of Environment and Natural Resource, 2024). همچنین بر این موضوع متمرکز می‌باشد که چگونه توسعه روابط قدرت را شکل می‌بخشد. این امر بر دو مفهوم اصلی جنسیت (ایده‌های مورد لزوم از نظر اجتماعی درباره مردانگی و زنانگی) و روابط جنسیتی (الگوی ترسیمی از نظر اجتماعی درباره روابط زنان و مردان) استوار می‌باشد.

رویکرد «جنسیت و توسعه» روابط تولیدی را به روابط بازتولیدی پیوند می‌دهد، بنابر این تمامی شئون و حوزه‌های اجتماعی زنان را به حساب آورده و بر واقعیات اجتماعی توجه دارد. این واقعیات اجتماعی نه تنها به دیدگاه‌های اجتماعی از جنسیت شکل می‌دهد، بلکه برای زنان و مردان نقش‌ها، وظایف و انتظارات خاصی را با توجه به بر ساخت‌های اجتماعی بر پایه زنانگی و مردانگی در نظر می‌گیرد. در این نگاه «جنسیت» به عنوان فرآیندی ملاحظه می‌گردد که افراد از طریق ویژگی‌های مردانه و یا زنانه آن را کسب نموده‌اند. این رویکرد همچنین بر اهمیت ابعاد مختلف نابرابری جنسیتی تاکید می‌نماید و آن را با جنسیت و استراتژی‌های توانمندسازی زنان و

به چالش کشیدن وضعیت موجود مرتبط می‌داند. به همین دلیل از این رویکرد به عنوان «رویکرد توانمندسازی» یا «برنامه‌ریزی آگاهی جنسیتی» نیز یاد می‌شود (Shiyani & Zre, 2022:56).

جدول شماره ۱. مختصات شناختی رویکرد «جنسیت و توسعه» (Hines, 2014. 300)

جنسیت و توسعه

رهیافت	بررسی روابط اجتماعی نابرابر به عنوان مشکل اصلی
توجه	روابط اجتماعی مرسوم با توجه به فرودستی زنان
چالش	رابطه نابرابر قدرت که از توسعه عادلانه و مشارکت زنان جلوگیری می‌کند
مطالبه	دگرگونی روابط نابرابر جنسیتی و دگرگونی انگاره‌های ذهنی مبتنی بر ناتوانی و فرودستی بانوان

در جمع‌بندی مطالب می‌توان گفت که با رجوع به منابع و شواهد تاریخی و بررسی اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی در تحقق مطالبات اجتماعی بانوان ایرانی در دوران مشروطه به عنوان مصادیق عینی موضوع پژوهش، می‌توان همخوانی بسیاری در تحرکات اجتماعی بانوان نسبت به مطالبات آموزشی در «رویکرد توسعه و جنسیت» را مورد شناسایی قرار داد. چنانچه این مطالبات را می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد.

۱. برابری جنسیتی: در دوران مشروطه، زنان به‌دنبال دستیابی به حقوق برابر با مردان بودند. مطالبات آموزشی آن‌ها نه تنها به‌دنبال بهبود وضعیت آموزشی خود بودند، بلکه به‌دنبال تحقق برابری جنسیتی در جامعه نیز بودند. این موضوع با نظریات جنسیت و توسعه که بر اهمیت برابری جنسیتی در فرآیندهای توسعه تأکید دارند، هم‌راستا است.

۲. توانمندسازی زنان: یکی از اهداف اصلی مطالبات آموزشی بانوان در دوران مشروطه، توانمندسازی آن‌ها بود. با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی، زنان می‌توانستند در جامعه فعال‌تر باشند و نقش‌های بیشتری را ایفا کنند. این موضوع با رویکردهای توسعه‌ای که بر توانمندسازی زنان به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه پایدار تأکید دارند، ارتباط دارد (Markazmalmiri, 1982-172; Torabi Farsani, 2015: 126-128).

۳. نقش آموزش در توسعه اجتماعی: آموزش به‌عنوان یک ابزار مهم برای توسعه اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شود. مطالبات آموزشی بانوان در دوران مشروطه نشان‌دهنده این واقعیت است که زنان به‌عنوان نیمی از جامعه، باید به‌طور فعال در فرآیندهای توسعه شرکت کنند. این موضوع با نظریات توسعه که بر نقش آموزش در بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند، هم‌خوانی دارد (Bitarafan, et al, 2017:161-162).

۴. تغییر نگرش‌ها و ساختارهای اجتماعی: مطالبات آموزشی زنان در دوران مشروطه به‌دنبال تغییر نگرش‌ها و ساختارهای اجتماعی بودند که مانع از پیشرفت آن‌ها می‌شدند. این تلاش‌ها به‌طور مستقیم با نظریات جنسیت و توسعه که بر لزوم تغییر در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی

برای تحقق برابری جنسیتی تأکید دارند، مرتبط است. به عنوان نمونه میرزا ملکم خان در شمارگان ۳ روزنامه قانون با اشاره به نقش تعلیم و تربیت دختران و زنان آن را از مهمترین اصلاحات اجتماعی لازم برمی‌شمرد و آن را از مقدس‌ترین اقدامات برمی‌شمرد (Ghanon, 1928:3).

روش پژوهش

پژوهشگران درصدد هستند تا با تلفیق و بهره‌گیری از روش‌های مختلف برخی از دغدغه‌ها و مطالبات بانوان در خصوص برابری جنسیتی در حوزه آموزشی را در گزارش‌های علمی انعکاس دهند و با استفاده از اسناد و منابع تاریخی در پی تبیین این فرآیند هستند. برای پاسخ‌دهی به سوالات اصلی پژوهش مبنی بر شناخت فرآیند شکل‌گیری مطالبات آموزشی بانوان، از روش تحلیل اسنادی مبتنی بر مطالعه اسناد و منابع استفاده شده است. اسناد شامل انواع داده‌ها و اخباری هستند که مستقیماً و بدون واسطه توسط برخی از افراد و نشریات به ثبت رسیده و اکنون به دست ما رسیده‌اند. منابع شامل کلیه آثار و اسناد مکتوب اعم از کتاب‌های فارسی و لاتین نوشته شده، پایان‌نامه‌ها، مقالات انتشار یافته و منابع موجود در اینترنت، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی آنلاین، کتابخانه‌های مجازی آنلاین، موتورهای جستجو، مجلات و فصلنامه‌های معتبر و هر سند دیگری می‌باشد که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط با موضوع پژوهش بوده و در آن به تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در دوران مدنظر پژوهش پرداخته شده باشد. همچنین در خصوص ابزار گردآوری داده‌ها با توجه به ماهیت پژوهش در پاسخ به سوالات پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات از برگه‌های فیش استفاده شده و فیش‌برداری از منابع مرتبط با پژوهش صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی مولفه‌های شناختی مطالبات اجتماعی زنان، در ابتدا شرایط سیاسی و اجتماعی دوران مشروطه به عنوان بستر شکل‌گیری این مطالبات مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس هویت شناختی مطالبات در قالب شناسایی رویکردهای مختلف فکری مورد تأکید قرار می‌گیرد و در پایان نیز مفاهیم، مطالبات و ایده‌های مرتبط با مطالبات تحت عنوان هویت بیانی در قالب معرفی اهم اقدامات نشریات، سازمان‌ها و روشنفکران مورد شناسایی قرار خواهد گرفت.

جدول شماره ۲. مولفه‌های شناختی مطالبات زنان در دوران مشروطه (محقق ساخته)

چرایی مطالبات	هویت شناختی	دانش، مفاهیم، ایده‌ها و مطالبات مرتبط با بانوان ایرانی
چیستی مطالبات	زمینه بیان	نسبت‌شناسی مطالبات با تحولات سیاسی، اجتماعی

زمینه بیان

جامعه ایرانی تا قبل از مشروطه در ادامه روند سنتی خود بر اساس نظم جنسیتی بر پایه تفکیک و نابرابری جنسیتی استوار شده بود. نظم جنسیتی به مجموعه‌ای از ساختارها، هنجارها و روابط اجتماعی اشاره دارد که تعیین‌کننده نقش‌ها و رفتارهای مرتبط با جنسیت در یک جامعه هستند. این نظم شامل انتظارات اجتماعی از مردان و زنان، تقسیم کار، قدرت و منابع، و همچنین نحوه تعاملات بین جنس‌ها می‌باشد. به علت تفکیک جنسیتی حاکم بر روابط اجتماعی، افراد با محدودیت‌های بسیاری در روابط خود مواجه بودند که این مسئله پیامدهای اجتماعی مهمی از جمله حاشیه‌نشینی زنان را در جامعه در برداشت. باز نمود این تفکیک جنسیتی را می‌توان در فعالیت‌های روزانه و سرگرمی‌های بانوان شامل اموری مانند بازار رفتن، حمام رفتن، دوره‌های زنانه، شرکت در مراسم مذهبی از جمله برپایی سفره روضه‌خوانی و زیارت اهل قبور و امامزادگان نیز مشاهده نمود. حاشیه‌نشینی بانوان از خانواده تا سطح جامعه امتداد می‌یافت و عملاً دارای هیچ گونه کانون واحدی نبود (Molaiitavani & Gholampour, 2014: 136–140; Sharifi Saei & Azad Aramaki, 2021: 106–108)

تفکیک جنسیتی در این دوران به علت انگاره‌های منفی جامعه نسبت به منزلت، قدرت و توانمندی بانوان رنگ و بوی نابرابری جنسیتی به خود گرفته بود. در بررسی نظم جنسیتی حاکم بر این دوران می‌توان به سه مولفه کار، مناسبات اجتماعی و انگاره‌های ذهنی اشاره نمود که در تعامل با یکدیگر روابط جنسیتی حاکم بر جامعه را به روابطی سلسله‌مراتبی مبدل نموده بودند.

شکل شماره ۱. عوامل تاثیرگذار بر نظم جنسیتی در دوران پیش از مشروطه (گیدنز و

بردسال، ۱۳۸۶: ۱۶۴).



از نظر تانگ، شالوده اصلی مردسالاری کنترل مردان بر نیروی کار زنان است و ابزار آن محدود کردن زنان از دسترسی به منابع مهم اقتصادی و بازداشتن آنان از هرگونه کنترل بر میل جنسی و به ویژه قابلیت باروری است (Tang, 2014:290). مهم‌ترین معیارهای قشربندی اجتماعی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد است که با ارجاع به محل زندگی و شیوه معاش او مشخص می‌شود. در چنین شرایطی، کار بانوان بر اساس منزلت اجتماعی و محل سکونتشان از یکدیگر متفاوت بود

(Sadat Shafiei, 2023:26). جامعه ایران عصر قاجار از سه شیوه تولید شبانکارگی، سهم‌بری و خرده کالایی تشکیل می‌گردید که بانوان در هریک از آن‌ها نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌نمودند. شیوه شبانکارگی مبتنی بر نگهداری و چرای دام، شیوه سهم‌بری مبتنی بر تقسیم محصول بین زارع و مالک و شیوه تولید خرده کالایی بر محور تولید صنعت گران و پیشه‌وران می‌چرخید که در همگی آن‌ها زنان نقش حاشیه‌ای را ایفا می‌نمودند (Abrahamian, 1998:49-61).

همچنین انگاره‌های اجتماعی مبنی بر جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان نقش غیر قابل کتمان در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی سلسله مراتبی داشته است. این نابرابری جنسیتی با ارجاع به سنت‌های عرفی و مبانی دینی توجیه و با تاکید بر نقش طبیعی زنان و مردان در قالب سلسله مراتب جنسیتی تثبیت می‌شد که در آن زنان زیر نظر مردان قرار داشتند (Ghavam & Asadi, 2014:22).

تا قبل از دوران مشروطه نگاه سنتی به بانوان همواره به عنوان رویکرد معیار در جامعه مورد پذیرش واقع می‌شد و هویت بانوان بر پایه طبیعت جسمی و نقش‌های سنتی در خانواده و اجتماع تعریف می‌گردید (Moshirzadeh, 2003:14). بر همین اساس ترتیب نظام سلسله مراتبی بر اس اساس برتری مردانه در نظامی جنسیتی را می‌توان در بسیاری از گفتمان‌های اساطیری نیز مورد مشاهده قرار داد تا جایی که نشانگان زنانگی حتی تا جایگاه شیطانی و منشا گناه بشری فرو می‌افتد. در شعری منسوب به فردوسی، زن و اژدها به مثابه دو عامل شر و ناپاکی معرفی می‌شوند. «زن و اژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به»^۳ (Khatibi, 2021). عنصرالمعالی در قابوس‌نامه زنانگی را به مثابه دال یا نشانه عیب و ننگ آورده است: «دختر مباد که از پرده عیب آورد بر نژاد/ دختر نابوده به، چون بود یا به شوی یا به گور» (Onsor al- Ma ali, 1894).

با انقلاب مشروطه کماکان بسیاری از تقسیمات جنسیتی بر مبنای تقسیم دوگانه زنانه/ مردانه در جامعه وجود داشت. چنانچه هویت زن یا تابع پدر، برادر یا زیرمجموعه‌ای از هویت شوهر بوده است. به عنوان نمونه اشاره یا دلالتی بر نام یا اسم زن امری منفی و همچون یک عیب تلقی می‌شد. زنان را با نام خود آن‌ها صدا نمی‌زدند بلکه به نام «مادر بچه‌ها» یا «منزل» و در مواردی با استفاده از نام پسر ارشد خانواده صدا می‌کردند. با این وجود، تا حدودی برخی از تلاش‌های ابتدایی در جهت تغییر ساختارهای روابط سنتی به وقوع پیوست. این تلاش‌ها عمدتاً از سوی گروه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت که به دنبال ارتقاء حقوق زنان و بهبود وضعیت آموزشی

۳ - برخی برخی از شاهنامه پژوهان همچون جلال خالقی احتمال صحت انتساب این بیت به فردوسی را زیر سؤال برده‌اند، اما نکته مهم تر از آنکه این شعر در حقیقت منتسب به چه کسی باشد، اهمیت آن برای مصادیق تاریخی وجود مضمون عمومی آن در گفتمان مردسالار جامعه ایرانی است.

و اجتماعی آنان بودند. این تغییرات، اگرچه در ابتدا محدود و تدریجی بودند، اما به تدریج توانستند به ایجاد فضایی برای بحث و گفت‌وگو درباره حقوق و نقش زنان در جامعه منجر شوند. افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی، به ویژه در میان زنان، به آنان این امکان را داد که به طور فعال در فرآیندهای اجتماعی شرکت کنند و خواسته‌های خود را مطرح نمایند. بر این اساس مطالبات بانوان در رابطه‌ای دوسویه با بستر سیاسی و اجتماعی خود در این دوران بر پایه نموده‌ها و نمادهای تجدیدخواهی شکل می‌یابد و زمزمه‌هایی مبنی بر حقوق و توانمندی‌های ایشان در سطح جامع طرح می‌گردد (Hosseinzadeh & Zargani, 2021:1).

هویت‌شناختی

تا پیش از تأسیس مدارس نوین دخترانه، مراکز و سازمان‌هایی که با هدف آموزش و تعلیم و تربیت دختران ایجاد شده باشند، وجود نداشت. آموزش رسمی و متداول دختران در قالب مکتب-خانه‌ها، تدریس خصوصی، حوزه‌های علمیه و یا آموزش از طرف دیگر اعضای خانواده صورت می‌پذیرفت (Fakhrayi, 1974:38).

تا پیش از تأسیس مدارس نوین دخترانه در دوره قاجار، ساختار آموزش رسمی برای زنان در ایران عملاً وجود نداشت و تعلیم دختران عمدتاً در قالب‌هایی چون مکتب‌خانه‌ها، تدریس خانگی، یا در برخی موارد حوزه‌های دینی محدود به خانواده‌های روحانی صورت می‌گرفت. این وضعیت بیش از آنکه صرفاً ناشی از کمبود امکانات باشد، بازتابی از نگرش‌های مسلط فرهنگی و اجتماعی نسبت به موقعیت زنان بود؛ نگرش‌هایی که زنان را به مثابه فرودستان اجتماعی در نظر می‌گرفت و آنان را از مشارکت در عرصه‌های دانایی و آگاهی محروم می‌کرد. در فضای فکری آن دوران، تحصیل زنان در برخی محافل نه تنها ضرورتی تلقی نمی‌شد، بلکه گاه با بی‌اخلاقی و خروج از چارچوب‌های عرفی پیوند خورده بود. چنین باورهایی، زنان را به نقش‌هایی چون خانه‌داری، سکوت، و اطاعت از نظم مردسالارانه محدود می‌ساخت و هرگونه تلاش برای آموزش را با مقاومت روبه‌رو می‌کرد.

در همین زمینه، مطالبات مرتبط با آموزش زنان در عصر مشروطه عمدتاً با رویکردی انتقادی نسبت به این نظام فکری شکل گرفت و تلاش داشت تا با زدودن ذهنیت‌های فرودستانه درباره جنسیت، ساختار قدرت در جامعه را نیز مورد بازخوانی قرار دهد. از همین رو، آموزش زنان نه فقط یک ضرورت اجتماعی، بلکه بخشی از گفتمان عدالت‌طلبانه و برابری‌خواهانه در مسیر تحولات مدرن تلقی می‌شد. با تأسیس مدارس نوین، تغییرات قابل توجهی در نظام آموزشی دختران آغاز شد. این مدارس به عنوان فضایی برای آموزش و پرورش دختران، به تدریج توانستند به ارتقاء سطح آگاهی و مهارت‌های آنان کمک کنند. در این دوران، با افزایش تعداد مدارس دخترانه و

همچنین توجه به نیازهای آموزشی خاص دختران، زمینه‌های جدیدی برای مشارکت آنان در جامعه فراهم شد. علاوه بر این، تأسیس مدارس نوین به تدریج به تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش زنان در جامعه انجامید. با افزایش تحصیلات دختران، آنان توانستند به عنوان نهادهای مؤثر در خانواده و جامعه شناخته شوند و به تدریج به مطالبات اجتماعی و آموزشی خود بپردازند. این تغییرات نه تنها به ارتقاء سطح زندگی زنان کمک کرد، بلکه به ترویج برابری جنسیتی و حقوق زنان نیز انجامید.

زنان بر این باور بودند که نخستین و اساسی‌ترین اقدام برای مقابله با نظام پدرسالاری و سلطه مردانه در خانواده و جامعه، تلاش برای دستیابی به حق آموزش و تحصیل دختران است. به نظر آن‌ها، افزایش سطح تحصیلات زنان به ارتقای آگاهی جنسیتی‌شان منجر می‌شود و این موضوع در درازمدت می‌تواند بستر لازم برای احقاق سایر حقوق زنان را فراهم کند. البته مطالبه حق آموزش برای دختران، چیزی نبود که با موافقت مردان محافظه‌گرا مواجه گردد. چرا که آن‌ها نه تنها با تحصیل بانوان مخالف بودند بلکه بعضاً پا را فراتر نهاده و انواع مشکلات و مخالفت‌ها را به اشکال مختلف برای ایشان ایجاد می‌نمودند (Nashrieh shokofeh, 1953, 8:3).

«اشخاصی که ندیدند، نخواندند و یا نشنیدند از کجا می‌توانند بدانند؟! در ایران ما بدبختانه از این جنس اشخاص بسیارند. بدبختانه‌تر اینکه دشمنان همین عده هم زیاد می‌باشند. همین که یک نفر و یا چند نفر پیدا می‌شوند که می‌خواهند در راه خدا اشخاصی که چیزی ندیده‌اند را راهنمایی کنند، نخوانده‌ها را بیاموزند و به نشنیده‌گان بگویند، فوراً دشمنان آن‌ها از هر طرف به عناوین مختلفه قیام می‌کنند و با زبان‌های عوام‌فریبی، برخلاف هر حقوقی می‌گویند تا طرف را خسته کرده و از پای درآورند... حقیقتاً دنیا به طرفداران عالم انسانیت فهمانده است که باید با شجاعت تامه کار کرد. سرنگون باد استبداد!!!» (Nashrieh Zaban zanan, 1959, 6:1).

جدول شماره ۳. مفاهیم و ایده‌های مرتبط با مطالبات اجتماعی زنان در دوران مشروطه

(محقق ساخته)

گرایش فکری	مفهوم اصلی	مفاهیم فرعی	گزاره‌های مفهومی
------------	------------	-------------	------------------

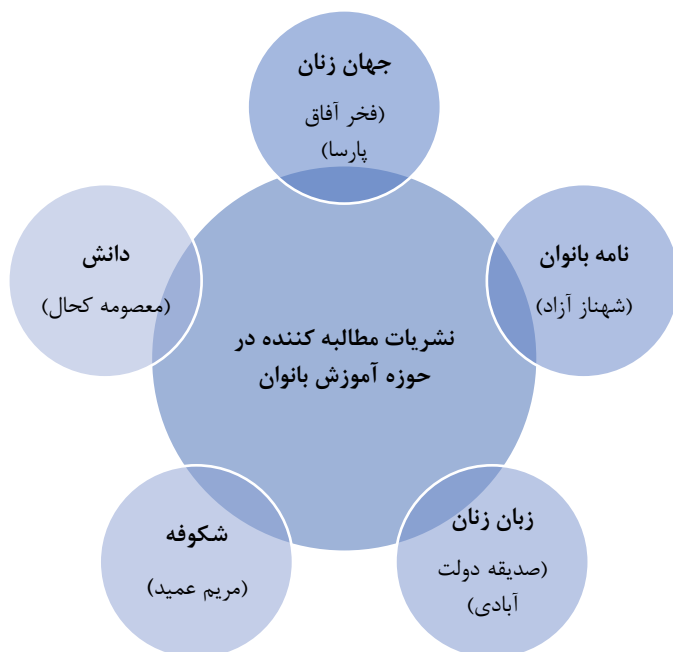
محافظة کاران	نابرابری ذاتی بین زن و مرد	اقتدارگرایی	مردان به مثابه قیّم زنان و تسلط مردان بر تمامی شئون زندگی زنان
مدرن	برابری بین زن و مرد	نیروی سازنده در روند توسعه	علم آموزی بانوان به عنوان عامل پیشرفت مملکت لزوم توانمندسازی بانوان در ساحت های مختلف زندگی اجتماعی

هویت بیانی

تحمل ساختار جنسیتی نابرابر و مردسالار که شالوده و درون مایه نظم جنسیتی ایران را شکل می بخشد برای زنان صاحب اندیشه و پیشرو جامعه امری سخت بود. تحمل ساختار جنسیتی نابرابر و مردسالار که شالوده و درون مایه نظم جنسیتی ایران را شکل می بخشد، برای زنان صاحب اندیشه و پیشرو جامعه امری سخت بود. آنان به خوبی دریافته بودند که محرومیت آموزشی نه صرفاً یک مانع فردی، بلکه ابزاری در جهت بازتولید فرودستی ساختاری زنان در جامعه است. این زنان، با درک نقش حیاتی آگاهی در فرآیند رهایی، خواهان شکستن چرخه سنت هایی شدند که زنان را در حوزه خصوصی محبوس و از مشارکت در زندگی عمومی محروم می ساخت. خواسته های آنان دیگر تنها منحصر به دسترسی به سواد ابتدایی یا تأسیس مدارس دخترانه نبود، بلکه به بازتعریف نقش زن در نظم اجتماعی نیز کشیده شد. در فضای بیدارگرایانه عصر مشروطه، زنانی که به روشنفکران و فعالان فرهنگی نزدیک بودند، گفتمانی جدید را پایه گذاشتند که در آن آموزش، ابزاری برای بازیابی کرامت انسانی زنان تلقی می شد. آنان به روشنی به تبعیض های نهادی شده، کلیشه های جنسیتی، و انحصار دانایی توسط مردان انتقاد داشتند. در این نگاه، نظام آموزشی باید نه صرفاً محملی برای باسواد شدن زنان، بلکه سازوکاری برای توسعه آگاهی، نقد هنجارهای تبعیض آمیز و برهم زدن معادلات سلطه باشد. مجلات، انجمن ها و نوشتارهای آنان حامل پیامی مشترک بود: «زن، اگر بخواهد در ساختن وطن نقش آفرین باشد، باید نخست از زندان جهل رها شود. از این منظر، مطالبات آموزشی زنان در دوره مشروطه را نمی توان صرفاً در چارچوب درخواست های خدماتی و رفاهی تحلیل کرد، بلکه باید آن را جزئی از یک تلاش ساختار شکنانه برای تضعیف بنیان های نظم جنسیتی مردم محور دانست. آنان نه تنها به آموزش به عنوان حق، بلکه به عنوان ابزار قدرت و ابزاری برای بازتعریف موقعیت خویش در ساختار اجتماعی می نگریستند. تأسیس مدارس دخترانه، مشارکت در نوشتارهای مطبوعاتی، تشکیل انجمن های زنان و حضور در مجامع عمومی، همه و همه نشانه هایی از اراده ای بودند که در پی آن بود تا زنان را از موقعیت «دیگری فرودست» به شهروندانی فعال و آگاه در سپهر عمومی ارتقا دهد. بر این

اساس مطالبات آموزشی بانوان زنان شکلی جدی‌تری پیدا نمود. در جدول ذیل به برخی از مهمترین این نشریات اشاره شده است.

شکل شماره ۲. مطالبات اجتماعی بانوان در نشریات دوران مشروطه (محقق ساخته)



ساختار جامعه ایرانی با وجود درون‌مایه‌های نظم جنسیتی آن همواره باعث دوری گزیدن بانوان از صحنه اجتماع بود. به طوری که ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی امری استثنایی و خارق‌العاده تلقی شده است. مهم‌ترین استثنا از نظر حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، مشروطیت بود. پروین پایدار در این زمینه می‌نویسد: «زنان نیز به خواسته اعطای قانون اساسی پیوستند. آنان گردهمایی‌های سنتی و مذهبی خود را به میتینگ‌های سیاسی تبدیل کردند. زنان از آخرین رویدادهای سیاسی در مساجد و روضه‌ها اطلاع می‌یافتند و آن‌ها را در انجمن‌های خود به بحث می‌گذاشتند» (Paidar, 1994: 52). همچنین همسو با نشریات، تاسیس سازمان‌های اجتماعی همچون انجمن‌ها و جمعیت‌ها با اقدامات خود بستر مناسبی برای فعالیت‌ها و مشارکت بانوان فراهم نمودند.

جدول شماره ۴. انجمن‌های اجتماعی بانوان در دوران مشروطه (محقق ساخته)

انجمن	سال تاسیس	موسس	مهمترین اقدامات
-------	-----------	------	-----------------

حریت نسوان	۱۲۸۶ ه.ش	تعدادی از فعالان مشروطه	برگزاری جلسات مهارت‌آموزی ارتباطی جهت آشنا نمودن بانوان با آداب معاشرت
مخدرات وطن	۱۲۹۰ ه.ش	آغا بیگم نجم‌آبادی	تاسیس مدارس دخترانه پردگیان و مستورات تاسیس دبستان دره‌المدارس
پیک سعادت نسوان	۱۳۰۰ ه.ش	تعدادی از زنان با گرایش‌های چپ	تاسیس مدارس سعادت نسوان
جمعیت نسوان وطن‌خواه	۱۳۰۱ ه.ش	محترم اسکندری	ارائه لایحه به مجلس شورای ملی برای بهبود شرایط زندگی بانوان (از جمله درخواست لزوم آموزش همگانی برای بانوان)

روشنفکران جنبش نیز که غالباً در نشریات و سازمان‌های اجتماعی نقش و حضوری فعال داشتند در همین راستا اقدام به فعالیت‌های مختلفی نمودند. در نگاه ایشان عواملی همچون عدم آگاهی بانوان و وجود روابط سلسله مراتبی موجب برخی از انگاره‌های فرهنگی در خصوص فرودستی بانوان شده است.

جدول شماره ۵. اهم اقدامات برخی از روشنفکران بانوان در دوران مشروطه (محقق

ساخته)

پیشگامان	فعالیت‌ها
صدیقه دولت‌آبادی	تاسیس اولین مدرسه دخترانه با عنوان «مکتب خانه شرعیات» با هدف سواد آموزی به دختران تاسیس مدرسه «ام‌المدارس» نیز مخصوص دختران بی‌بضاعت (Abadian and Safari, 2014: 3).
شهناز آزاد	تاسیس و نشر مطالب مرتبط با مطالبات آموزشی بانوان در نشریه نامه بانوان (Abadian and Safari, 2014: 3)
بی‌بی خانم استرآبادی	تاسیس مدرسه دوشیزگان نگارش مقاله معایب الرجال
محترم اسکندری	برگزاری کلاس‌های اکابر برای بانوان (Mangene, 1965)

تجزیه و تحلیل

در این دوران بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های مورد تاکید در جریان مشروطه همچون آزادی، برابری، فردگرایی، نفی سنت‌ها و نفی استبداد سالاری زنگ هشدار را برای تمامی گروه‌های اجتماعی به صدا درآورد تا رابطه، جایگاه و سهم خود را در تناسب با این مفاهیم و آرمان‌ها مشخص سازند (Alizadeh, 2017:28). گسترش ارتباطات، ظهور اندیشه‌های عدالت‌خواهانه و برانگیختگی‌های دینی و ملی را می‌توان از نتایج جنبش مشروطیت دانست که به تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انجامید. از جمله این تحولات بیش از پیش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه می‌باشد. همچنین چاپ و انتشار نشریات، ترجمه و تالیف کتب، گسترش مدارس به سبک جدید، افزایش نسبی قشر تحصیلکرده و روشنفکر و نیز تاثیر محیط بین‌المللی بر عرصه محیط داخلی سبب شد تا بسیاری از ایرانیان با نگاهی منتقدانه به ارزیابی وضعیت اجتماعی و طرح پاره‌ای از مطالبات و حقوق جدید بپردازند (Parvin, 2010:12). انتقاد زنان روشنفکر این دوره از شرایط زندگی زن ایرانی همگام با نقادی‌های روشنفکران و متحدان از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بود که نوسازی و دگرگونی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را امری ضروری می‌دانستند. با این وجود به دلیل ساختارهای فرهنگی جامعه کماکان دگرگونی جایگاه زنان در جامعه با مقاومت‌های سرسختانه‌ای روبرو بود (Bastani et al, 2013:75). بانوان در این دوره به خوبی دریافته بودند که برای رسیدن به اهداف و مطالبات خود، نخست باید با استبداد و خودکامگی نهفته در مناسبات سلسله مراتبی جامعه مبارزه کنند و در سایه آن برای دستیابی به حقوق و مطالبات خویش تلاش نمایند. در حوزه هویت‌شناختی مطالبات آموزشی بانوان می‌توان گفت که آموزش دختران به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تغییر وضعیت اجتماعی و فرهنگی همواره مدنظر برخی از پیشگامان و فعالان حوزه زنان بوده است. چنانچه با فراهم شدن فرصت‌های آموزشی و ارتقاء آگاهی، زنان توانستند به عنوان بازیگران اصلی در تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه خود شناخته شوند و نقش‌های فعالی را در عرصه‌های مختلف ایفا کنند. همچنین در این دوران می‌توان به دو رویکرد فکری سنتی و مدرنیته در بطن جامعه اشاره نمود. در حالی که بسیاری از بانوان، کماکان تابع گزاره‌های سنتی بوده و به شدت با آموزش زنان مخالف بودند و آن را بر خلاف اخلاق و شئونات زنانه می‌پنداشتند، خرده‌گفتمان‌های رادیکال و میانه‌رو بیشتر به دنبال نقد گفتمان سنتی و غالب بوده و خوانشی متفاوت نسبت به این امر داشتند (Bastani et al, 2013:75). در حوزه بیان مطالبات نیز برخی از زنان روشنفکر درصدد برآمدند تا با چاپ و انتشار نشریات به تنویر افکار و ارتقای سطح آگاهی زنان بپردازند و علاوه بر طرح مطالبات خود، سطح توجه جامعه را نیز نسبت به این مطالبات افزایش دهند در این نشریات دیدگاه‌ها و افکار خود را صریح و روشن مطرح می‌کردند و به کنشی آگاهانه برای تغییر وضع موجود دست می‌زدند. آنان می‌کوشیدند مشکلات و مطالبات زنان را در معرض توجه قرار داده و

به زنان شیوه جدیدی از تفکر در مورد زندگی و امور روزمره را توصیه کنند تا همزمان با تحولات جامعه، تغییری در زندگی آنها رخ دهد (Sharifianpour et al, 2018:58).

نتیجه گیری

تا قبل از جنبش مشروطه نگاه سنتی به مساله زن که بر پایه ویژگی های جسمی و نقش های سنتی در خانواده و جامعه استوار بود به عنوان رویکردی معیار در جامعه مورد پذیرش قرار می گرفت. در این دوران بانوان به علت نظم جنسیتی مردسالار حاکم بر جامعه از وضعیت مناسبی رفاهی و اجتماعی برخوردار نبودند. سلسله مراتب جنسیتی در سه حوزه کار، مناسبات اجتماعی و انگاره های ذهنی جامعه در خصوص فرودستی بانوان متجلی می گشت. چنانچه بانوان در فضای کسب و کار تنها مجاز به فعالیت در مشاغل خانگی و حاشیه ای بوده اند که این امر سبب عدم استقلال مالی ایشان نسبت به مردان می گشت.

در مناسبات خانوادگی نیز زنان به علت سیطره گفتمان پدرسالاری در قالب سلسله مراتب جنسیتی همواره در جایگاهی فرودست نسبت به پدر، همسر، برادر و حتی فرزند مذکر خود قرار داشتند. پژوهاک اجتماعی این نگاه را می توان در گفتمان حاکم بر مناسبات اجتماعی نیز مشاهده نمود که در آن اقتدار مردان به عنوان قیم بلا فصل بانوان امری بدیهی تلقی شده و حتی بانوان روشنفکری همچون معصومه کحال (فرزند محمد حکیم باشی جدیدالاسلام و همسر میرزا حسین - خان کحال)، مریم عمید (دختر رئیس الاطبا پزشک قشون ناصری و خواهر میرزا ابراهیم عمیدالسلطان)، صدیقه دولت آبادی (خواهر یحیی دولت آبادی)، شهناز آزاد (دختر میرزا حسن رشديه) و بی بی خانم استرآبادی (فرزند ایشیک آقاسی باشی و بزرگ ایل انزاب) نیز بر اساس نسبتشان با پدران، همسران و برادرانشان مورد شناسایی قرار می گرفتند و گاهاً مجوزهای مربوط به فعالیت های اجتماعی خود را با نام ایشان دریافت نموده اند که این مسئله کمتر مورد اعتراض یا بحث قرار می گرفت.

وقوع انقلاب مشروطه و تحولات اجتماعی مرتبط با آن موجب دگراندیشی در خصوص طرز نگرش به زنان گردید به طوری که دریچه جدیدی از کنشگری بانوان در افزایش مشارکت های اجتماعی در سطح جامعه گشوده شد. تا قبل از انقلاب مشروطه طرح مسائلی در خصوص دغدغه ها و کاستی های اجتماعی بانوان از جمله عدم امکان تحصیل و آموزش هرگز به مثابه مسئله ای اجتماعی مورد بحث واقع نمی شد و هرگونه اقدام برای تغییر در انگاره های ذهنی مبتنی بر سلسله مراتب جنسیتی در خصوص فرودستی و ناتوانی بانوان در راستای برهم زدن نظم جنسیتی جامعه با برخورد شدید پاسداران سنت مواجه می گردید.

در واقع، آشنایی مشروطه‌خواهان با مفاهیم یاد شده، فرصت طرح مسائل مربوط به بانوان را فراهم ساخت که نمونه آن را می‌توان در برخورداری زنان و مردان از حقوق یکسان و همچنین آزادی تحصیل و تعلیم طبق اصول هشتم، نوزدهم و بیستم قانون اساسی مشاهده نمود. با وجود حاکم بودن انگاره‌های ذهنی مبنی بر سلسله مراتب جنسیتی در خصوص فرودستی و ناتوانی بانوان در ساختار و روابط اجتماعی جامعه، کماکان امکان طرح مسائلی در خصوص برابری جنسیتی به سختی قابل پذیرش بود. در این شرایط، به کارگیری برخی از مفاهیم اجتماعی در راستای لزوم ارتقا در سطح خدمات رفاهی در حوزه‌های آموزشی و بهداشتی می‌توانست تغییرات اولیه را در نوع نگاه به مسائل زنانه برانگیزاند. بنابر این بهبود موقعیت اجتماعی بانوان، لزوم ادامه تحصیل در راستای توانمندسازی بانوان و ارتقا خدمات بهداشتی و نفع‌همگانی حاصل از آن به یکی از مسائل مشروطه‌خواهان در حوزه زنان تبدیل شد که به صورت بیان مطالبات از جمله تاکید بر تحصیل و آموزش دختران با هدف تغییر انگاره‌های ذهنی جامعه در خصوص ناتوانی و فرودستی بانوان متجلی گشت. با هدف تحقق این مطالبات فعالیت‌ها و اقداماتی پایه‌گذاری می‌شود که تا سال‌های بعد از آن نیز کماکان ادامه می‌یابد. از جمله مهمترین این اقدامات می‌توان به ۱. تاسیس انجمن‌ها و جمعیت‌های زنانه از جمله مخدرات وطن، حریت نسوان، پیک سعادت نسوان و نسوان وطن‌خواه ۲. چاپ نشریاتی از جمله دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان و جهان زنان ۳. تاسیس مدارس اکابر، مدارس نوین و برگزاری کلاس‌های سوادآموزی ۴. برخی از فعالیت‌های عام‌المنفعه و اجتماعی همچون برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت توانمندسازی بانوان اشاره نمود. این انجمن‌ها اقدامات فرصتی را برای بانوان ایرانی مهیا می‌ساخت که از نظر مفهومی به بازتولید الگوهای ترسیمی درباره تصویر اجتماعی زنان در انگاره‌های ذهنی جامعه بپردازند و تعریف بانوی ایرانی را از موجوداتی خصوصی به مشارکت‌کنندگانی عمومی تغییر دهند که بدین لحاظ به دستاورد بزرگی محسوب می‌گردید.

منابع

- Abadian, H., & Safari, Z. (2014). Social and cultural demands of women from the constitutional era to the reign of Reza Shah. *Historical Studies Quarterly*, 2, 1-19. (in Persian)
- Abrahamian, E. (1998). *Iran between two revolutions* A. Golmohammadi & M. E. Fattahi, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Alam Nesvan (1923). Issue2: ۱ (in Persian)
- Alam Nesvan (1923). Issue2:3 (in Persian)
- Alam Nesvan (1924). Issue ۱: ۲۵ (in Persian)

- Alizadeh, M. A & ,Baghdar Delgoshah, A. (2016). Examining women's social demands in the newspapers of the constitutional era .*Journal of Women and Society*) (in Persian)
- Alizadeh, M. (2017) .*A study of the women's movement after the Islamic Revolution* (Master's thesis, University of Mazandaran, Faculty of Law and Political Science). (in Persian)
- Atkinson, R., Hilgard, E & ,Atkinson, R. C .(1999) .*The context of psychology* (M. T. Baraheni, Trans.). Tehran: Roshd Publishing. (in Persian)
- Bastani, S., Omidipour, Z & ,Rajablu, A. (2013). Analysis of women's micro-discourses during the constitutional era .*Historical Sociology Journal*73-108, 1. (in Persian)
- Bhavnani, K., Foran, J., Kurian, P & ,Munshi, D. (2016). Postscript: A conversation about the future of woman, culture, and development. In *Culture and development* (pp. 1-10). London: Zes Books. (in Persian)
- Bitarafan, Mohamad. Yazdani, Sohrab. Moftakhari, Hosein. Fallah, Totkar (2017). Protest against the educational status of women. *Journal of Social Sciences*. Issue79, 160-189 . (In Persian)
- Department of Environment and Natural Resource .(2024) .*Gender and development* .Republic of the Philippines.
- Duffy, V. (2016). Gender and development. In *Development in an unequal world* pp. 159-174.
- Eyerman, R & ,Jamison, A .(1991) .*Social movements: A cognitive approach* . Pennsylvania State University Press.
- Fakhrayi, E .(1974) .*Gilan in the constitutional movement* .Tehran: Jibi Company. (in Persian)
- Farahmand, N. (2016) . Girls' education and educational institutions during the Qajar era. *Parseh*. 95-131. (in Persian)
- Foran, J .(2003) .*Fragile resistance: A history of social transformations in Iran* (A. Tadin, Trans.). Tehran: Rasa Publications. (in Persian)
- Ghanon. (1928) . Issue19:3(in Persian)
- Ghavam, A & ,Asadi, M. (2014). Comparative study of women's status in various discourses of contemporary Iranian history .*Quarterly Journal of Intercultural Studies*) ۳۹-۹ , ۲۳ , (in Persian)
- Giddens, A .(1989) .*Sociology* .London: Polity Press. (in Persian)
- Giddens, A & ,Duneier, E .(2007) .*Sociology* (H. Chavoushian, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Giddens, A .(1997) .*Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Gurt, S .(2001) .*Sociology of gender* (K. Baghaei, Trans.). Tehran: Digar Publishing. (in Persian)

- Hines, J. (2014). *Development studies* R. Shirzadi & J. Ghobadi, Trans.). Tehran: Agah Publishing. (in Persian)
- Hosseinzadeh, F & .Zargani, M. (2021). Representation of women's role in popular literature of the Qajar era. *Journal of Culture and Popular Literature* .۷۷-۴۱, ۳۸, (in Persian)
- Ilchi, M. H. K. (1985). *The book of wonder*. Tehran: Rasa Publications. (in Persian)
- Kachel, S., Steffen, M & .Niedlich, C. (2016). Traditional masculinity and femininity: Validation of a new scale assessing gender roles. *Frontiers in Psychology*. ۹۰۶-۹۳۵, ۷, (in Persian)
- Kelly, M., Inoue, K., Barratt, A., Bateson, D., Rutherford, A & .Ritchers, J. (2016). Performing femininity: Female agency and role in sexual life and contraceptive use. (2)240-255.
- Khatibi, A. (2021). "Verses against women that do not belong to Ferdowsi". Iranian Students' News Agency (ISNA). Retrieved from <https://www.isna.ir/news/1400120301836/>
- Koopman, S. (2020). Building an inclusive peace is an uneven socio-spatial process: Colombia's differential approach. *Political Geography* ,83106-113. (in Persian)
- Mangene, Norolhoda (1965). *The Story of an Iranian Woman, Shamhiya, from My Memories*, Tehran: Bina.
- Markazmalmiri, Ahmad & Zareii, hasan & Kermanian, Roghaieh (2019). Social movements for women's legal empowerment in contemporary Iran, Issue3. 117-145 (in Persian)
- Molaiitavani, Alireza. Gholampour, Meysam. (2014). Bath and bathing in Iranian culture of the Qajar era. *Cultural history studies*. Issue21. 121-148 (in Persian)
- Onsor al-Ma'ali. (1894). *Qabus-nama*. Indexed on Ganjoor Digital Library. Retrieved from <https://museum.ganjoor.net/items/ghaboosname/p0075>
- Paidar, R. (1994). *Woman and the political process in the twentieth century Iran*. Cambridge University Press. (in Persian)
- Parvin, M. (2010). The constitutional revolution and the women's movement. *Yadeh Ayam Journal* ,59,15-1, (in Persian)
- Rietveld, C. A. (2022). Gender inequality and the entrepreneurial gender gap: Evidence from 97 countries (2066-2017). *Journal of Evolutionary Economics* ,(4) ,1205-1229. (in Persian)
- Sadat Shafiei, S & .Shafiei, F. (2019). The women's issue and its relation to Iran's progress in the second constitutional era: An analysis of the women's journal. *Quarterly Journal of Cultural Studies and Communications* ,۵۷, ۱۸۸-۱۶۹ (in Persian)

- Sadat Shafiei, S.(2023) .*Social history of women in the Qajar era* .Tehran: Salis Publishing. (in Persian)
- Sanasarian, E. (2005) .*Women's rights movement in Iran: Uprising, decline, and suppression from 1280 to present* (N. A. Khorasani, Trans.). Tehran: Akhtaran Publishing. (in Persian)
- Selmasizadeh, M., Abbaszadeh, M & ,Amiri, A. (2018). Gender development during the first Pahlavi era with emphasis on women's educational opportunities .*Quarterly Journal of Economic Sociology and Development* (in Persian)
- Serna, C .(1983) .*Travelogue of Madame Carla Serna* (A. Saeedi, Trans.). Tehran: Zavar Publications. (in Persian)
- Sharifi, S. (2021). Revisiting women's educational demands in the Qajar era based on the Habl Al-Matin newspaper of Calcutta .*Quarterly Journal of History* . ۶۷ , (in Persian)
- Sharifi Saei, M. H & ,Azad Aramaki, T. (2021). Women in the patriarchal era: A historical narrative of women's social and cultural status in the Qajar period .*Quarterly Journal of Cultural and Artistic Sociology* . ۱۲۲-۱۰۲ , ۲ ,) (in Persian)
- Sharifianpour, Z., Torabi Farsani, S & ,Abtahi, A. (2018). Examining gender and social status of authors in the Alam Nesvan journal .No. 37) . ۸۱-۵۸ , (in Persian)
- Shiyani, M & ,Zare, H. (2022). Women and development: Iran during the Qajar, first and second Pahlavi eras .*Quarterly Journal of Sociological Studies*) . ۷۸-۴۹ , ۲۹ , (in Persian)
- Tang, R. (۲۰۱۴) .*Critique and perspective: A comprehensive introduction to feminist theories* (M. N. Iraqi, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Torabi Farsiani, S (2015). Women and the transformation of speech through women's magazines. Issue30. 70-92 (in Persian)
- Yaghoubi, A .(۲۰۱۴) .*Theories of masculinity with emphasis on sociological approaches* .Tehran: Pajvak Publishing. (in Persian)